

# سهم برمکیان بلخی در پرورش علم و ثقافت

در شماره های ۷ تا ۱۰ سال ۲۲ وقائع خروج برمکیان و حوادث سیاسی را که متعلق به این دودمان عالی شانست به تفصیل نوشتیم. این خانواده خراسانی که در محیط فرهنگ قدیم باختر پرورده شده حامل بسا از موارث ثقافت کهن و تمدن این سرزمین بودند.

اسلاف ایشان در بلخ و معبد نوبهار که از پرستش گاهای قدیم بشر شمرده میشود و وقتی کانون کیش زردشت و بعد از آن مرکز بودائیان باختر بود، مسند سندانست داشتند، ولی در عین داشتن این منصب دینی، به امور سیاسی و وزارت شاهان هم می پرداختند، و حتی به قول خواجه نظام الملک طوسی: از زمان سلطنت اردشیر پدران برمکیان وزیران بوده و وزارت ایشانرا موروث بود، و در ترتیب و سیر وزارت کتابها داشتند که پسران ایشان آنرا برای یاد گرفتن آداب وزارت میخواندند. (۱)

برامکه با روح خراسانی و فرهنگ موروث باسانی خویش از عصر ابومسلم در سیاست خراسان و تاسیس خلافت عباسیان و عروج دربار بغداد و ایجاد موسسات فرهنگی و علمی و پرورش علم و انتقال تمدن و

فرهنگ دست داشتند. برمکیان در جود و بخشش و سخا و صفات حسنه و ثقافت خود در دنیای عرب آنقدر شهرت یافته بودند که اعراب در زبان خود برای این صفات از اسم ایشان فعلی را ساختند که بدان مثل میزدند و میگفتند (تبرمک الرجل) ای جاد و سخا. (۲)

هنگامیکه یحیی بن خالد در پایتخت بغداد بر امور دربار و وزارت و خزائن عباسیان دست یافت، او دران پایتخت بزرگ آسیا یک مجلس مناظره علمی را کشود که بقول مسعودی دران اهل علم و نظر و متکلمان از ملل و تحل مختلفه گرد می آمدند و در اسرار کون و ظهور و قدم و حدوث و اثبات و نفی و حرکت و سکون و وجود و عدم و جر و طفره و اجسام و اعراض و تعدیل و تحریر و کمیت و کیفیت و امامت و دیگر مسائل کلامی و فلسفی و روانی بحث و مناظره میکردند و دانشمندان معروف آن عصر دران مینشستند. (۳)

درین مجمع علمی طوریکه دیده میشود علمای فرق خارجی و معتزله و غیره اشتراک میکردند و با آزادی رای در مسائل مغلقة کلام و فلسفه و حتی سیاست یعنی درینکه امامت نص است یا اختیار؟ مناظره و مباحثه می نمودند و ازین بر می آید که برمکیان دارای نظر وسیع و روشنی طبع و فکر آزاد بودند و حتی در بحبوحه سیطره عقائد فرقوی آنوقت از وسعت نظر خراسانی خویش نمایندگی میکردند.

### بیت الحکمه :

این مؤسسه علمی که آنرا خزانه الحکمه هم میگفتند، در عصر تنزون الرشید عباسی بعد از ۱۷۰ هـ ۷۸۶ م در بغداد تاسیس شد و در زمان خلافت مامون بعد از ۱۹۸ هـ ۸۱۳ م بکمال خود رسید.

در تاریخ بغداد طیفور گوید: که در مرو مرکز خراسان کتابخانه عظیمی از زمان قبل از اسلام باقی مانده و تا حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م هم موجود بود (۴) و هارون و مامون که هر دو آشنا به مدنیت و ثقافت خراسان بوده و مدتها در خراسان و مرو زندگی داشته اند از وجود کتب خانها و خزائن کتب در شهرهای بزرگ مطلع بودند. این خلفا که شیفته تمدن و فرهنگ خراسان بودند در بغداد مرکز خلافت عباسی نیز موسسات علمی را بوجود آوردند و مبادی فرهنگی خراسان را به بغداد انتقال دادند که یکی از آن هیمن بیت الحکمه بود.

بیت الحکمه کتابخانه بزرگی بود و کتابهاییکه خلفاء در فتوحات آسیای صغیر و انقره و عموریه بدسته آورده بودند در آن جمع شده بود که در آن کتب یونانی و سربانی و پارسی و قبطی و عربی وجود داشت و برمکیان در تاسیس آن دستی قوی داشتند و علماء و مترجمان و موکلفان را مینواختند و کتب پارسی و هندی را که فراهم آورده بودند در آن دارالحکمه گذاشتند و اکثر دانشمندانیکه مربوط به برمکیان بودند درین موسسه علمی کار میکردند مانند محمد بن موسی خوارزمی منجم و جابر بن جیان و کنکه منکه هندی و علان شعوبی که مرد دانشمندی بود درین بیت الحکمه برای مامون و برمکیان نسخه های خطی کتابها را می نوشت (۵) و این مرکز علمی شکل یک اکادیمی دانش و فرهنگ و مجمع علماء و حثی مرکز تحقیق و رصد و پرورشگاه حکمت و فلسفه را گرفته بود.

ابو حفص عمر بن فرخان طبری یکی از روسای مترجمان و علماء نجوم و احکام آن بود که در خدمت یحیی بن خالد برمکی میزیست، او تفسیر چهار مقاله بطلیموس و کتاب المحاسن و دیگر کتب را نوشت (۶) و یکی از ارکان حرکت فکری اسلامی و پرورده برمکیان بود که

پسرش ابوبکر محمد بن عمر نیز از مشاهیر منجمان و مولفان این فن است. گویند که ۱۳ مقاله کتاب المجسطی را نخستین بار بامر یحیی بن خالد بعربی در آوردند، ولی مقبول نیفتاد بنا برین برای تفسیر آن ابوجسان و سلم صاحب بیت الحکمه را خواست و ایشان بصورت فصیح تر و صحیح تر آنرا تدوین کرد. (۷) برمکیان بدون تعصب و تنگ نظری علماء هر مذهبی را مورد پرورش خود قرار میدادند و علم را برای علم می پروردند، مثلاً از جمله پرودگان ایشان آل یحیی شیوع طبیبان معروف دربار بغدادند که یکی از ایشان جبریل بن یختی شیوع به مامون میگفت: من این نعمت را نه از تو دارم و نه از پدر تو بلکه همه را از یحیی بن خالد برمکی و پسرانش بدست آورده ام. (۸)

این خاندان بختیشوع از نصرانیان نستوری بودند که جورجیس پسر بختیشوع رئیس بیمارستان گندشاپور و معاصر منصور خلیفه (۱۳۶) (۱۵۸ هـ) بود (۹) و تمام دودمان این طبیبان مسیحی در کنف حمایت و پرورش برمکیان میزیستند و سالی در حدود پنج ملیون درهم از برمکیان و دیگران جایزه می گرفتند. (۱۰)

این حالت یک خاندان علمی مسیحی در کنف حمایت برمکیان بود ولی در عین همین اوقات می بینیم که برمکیان برخی از اطباء هندی را هم به بغداد آورده در تحت اصطناع خویش قرار داده بودند بدین تفصیل:

یکی از منجمان و طبیبان هندی بنام کنکه Kanaka یا منکه در گندی شاپور بود که بفرمان هارون الرشید به بغداد آمد و از پرورش و نوال برمکیان برخوردار شد. او کتابها را از زبان هندی به عربی در آورد که از آنجمله کتاب سرد را در ده مقاله کنکه هندی بامر یحیی بن خالد برمکی تفسیر کرد و نیز کتاب اسماء و عقاقیر هند را از هندی

به عربی در آورد. (۱۱) کتاب السموم تالیف شاناق چاناکیه وزیر چندراکویتا (۳۲۱ - ۲۹۸ ق، م) در پنج مقاله از هندی به پهلوی بوسیله همین کتکه ترجمه شد که متکفل نقل آن به پهلوی ابو حاتم بلخی بود و این کار هم برای یحیی بن خالد برمکی انجام یافت (۱۲) (کتاب اشناق فی السموم والتریاق در سنه ۱۹۳۴ م در برلن با ترجمه المانی طبع شد) و ابن ندیم کتابهای نمودار فی الاعمار - اسرار الموالید - کتاب القرائات الکبیر والصغیر - اسماء عقاقیر الهند را هم به منکه نسبت دهد. (۱۳)

این کتکه یا منکه هندی به دعوت یحیی بن خالد به بغداد برای علاج هارون آمد. او پهلوی را هم میدانست و از هندی باین زبان ترجمه ها داشت (۱۴) و به قول جاحظ برمکیان در جلب اطباء هند توجه خاصی داشتند و علاوه بر منکه چند طبیب دیگر :

بازیکر، قلیرفل، سندباد و غیره را هم خواسته بودند (۱۵) و کتابی را هم در علامات بیماریها و علاج آن بامر یحیی بن خالد برمکی عربی ترجمه کردند.

دیگر از اطباء هندی که در ایام هارون بوسیله برمکیان به بغداد آمد صالح بن بهله بود که شهرت فراوان یافت و با طبیبان بغداد در آمیخت و طب هندی را از او اقتباس کردند. (۱۶)

همچنین طبیب معروف دیگر هندی که در محافل برمکیان و بغداد موجود بود ابن دهن است که ابن ندیم کتب او را بنام : استانکر الجامع تفسیر ابن دهن - کتاب سندستاق یعنی صفوة النجح تفسیر او شمرده است. (۱۷)

بیمارستان برامکه :

در جمله آثار مدنی که برمکیان در بغداد بوجود آوردند بیمارستان است که اکنون در افغانستان روغتون و در انگلیسی Hospital گویند و چون این بنای خیریه را در دنیای عرب از عجمیان تقلید کردند نام آنرا از بیمارستان فارسی در عربی مارستان ساختند و نخستین مارستان عربی در عصر ولید بن عبدالملک در سنه ۸۸ هـ ۷۰۶ م در دمشق ساخته شد. که دران مجذومان را نگهداری میکردند. (۱۸)

هارون الرشید نیز در بغداد مارستانی را ساخت که سر طبیب آن همان جبریل بن بختیشوع پزشک پرورده برمکیان بود. و چون برمکیان همه اهل علم و از پروردگان اطباء هندی بودند، بنابراین ایشان مارستان برمکیان را در بغداد تاسیس کردند و سرطبیب آنرا ابن دهن سابق الذکر که از هندی عبری کتابهای طبی را ترجمه میکرد مقرر داشتند (۱۹) و بعد ازین در بلاد دولت عباسی بیمارستانهای متعدد دیگر به تقلید برمکیان کشوده است.

در بیمارستانهای آنوقت طبیبان نامی را برای معالجه می گماشتند و ایشانرا از موارد دور برای طبابت جلب میکردند چنانچه هارون دهشتک سرطبیب هندی بیمارستان گندیشاپور را برای بیمارستان بغداد خواست، چون او نیامد، بجای خود ماسویه طبیب معروف را فرستاد که بعد ازو یوحنا بن ماسویه سرطبابت مارستان بغداد را داشت (۲۰) و این هر دو هم از پروردگان خاندان بختیشوع سابق الذکر بودند که پزشک برمکیان بود.

بقول گوستاولوبون بیمارستانهای عرب موافق اصول حفظ صحت بنا شد و خیلی وسیع و دارای جریان هوا و آب فراوان بود و محصلین طب دران به معاینه و معالجه بیماران می پرداختند و در بیمارستان

حجراتی داشتند، تا بوسیله تجربه و مشاهده تحصیلات علمی خود را تکمیل نمایند. (۲۱) (۲۲).

ماخذ

۱. سیاست نامه ۱۷۷
۲. جرجی زیدان ۱۳۹/۴
۳. مروج الذهب ۲۸۶/۳ و ابن خلکان ۷۸۰/۱
۴. ضحی الاسلام ۱۸۰/۱ به حوالت تاریخ بغداد ۱۵۷/۷
۵. الفهرست ۱۵۴
۶. الفهرست ۳۸۱
۷. الفهرست ۳۷۴
۸. تاریخ علوم عقلی ۴۶/۱ بحوالت کتاب الوزراء جهشیاری ۱۷۶
۹. احضار الحكماء ۷۱
۱۰. تاریخ علوم ۵۵/۱ به حوالت اخبار الحكماء ۱۰۰
۱۱. الفهرست ۴۲۱
۱۲. طبقات الاطباء ۳۲/۲
۱۳. الفهرست ۳۷۸
۱۴. عصر المامون ۳۸۹/۱
۱۵. البيان والتبيين ۴۰/۱ از جاحظ طبع قاهره ۱۳۱۳ ش
۱۶. تاریخ تمدن اسلامی ۱۵۸/۳
۱۷. الفهرست ۴۲۱
۱۸. تاریخ تمدن اسلامی ۱۸۷/۳
۱۹. الفهرست ۳۴۲
۲۰. طبقات الاطباء ۱۷۴/۱
۲۱. تمدن اسلام و عرب ۶۳۵
۲۲. مجله آریانا، سال ۱۳۴۴ ش، شماره ۵ و ۶، ص ۲۴۲ تا ۲۴۷.